

می‌روند. به عبارت دیگر، توافق خوب یعنی ایران مایل باشد کاملاً از برنامه‌اش دست بکشد، مشابه آنچه لیبی در سال ۲۰۰۳ انجام داد. ویتکاف اخیراً گفته اگر ایران، چنان که مقالماتش مدت‌هاست ادعا می‌کنند، سلاح هسته‌ای نمی‌خواهد، پس «تأسیسات غنی‌سازی‌شان بایدبر چیده‌شود. نمی‌توانندسانتریفیوژداشته‌باشند.» اما چنین سناریویی بسیار بعید است. ایران مدام بر حقش برای غنی‌سازی اورانیوم تأکید کرده است. رهبر معظم |آیت‌الله| علی خامنه‌ای همین حالا هم بدبین است و حق غنی‌سازی حقی است که او مدت‌ها طرفدارش بوده. مقامات «میان‌رو» فعلی ایران، یعنی رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان و عراقچی، به احتمال قریب به یقین برای قانع کردن او جهت دست‌کشیدن از این حق، به مشکل خواهند خورد، به‌خصوص با توجه به عاقبت دیکتاتور لیبی؛ به‌علاوه، پزشکیان و عراقچی احتمالاً نگران این هم باشند که حتی پیشنهاد چنین معامله‌ای می‌تواند، چنان واکنش منفی شدیدی از سمت تندروها برانگیزد که جایگاه خودشان را هم به خطر بیندازد.

باز خود نویسنده هم اذعان دارد که این گزینه هم چندان محتمل نیست. تأکیدات طرف ایرانی بر بحث غنی‌سازی مدام تکرار می‌شود و گویا تلاشی در کار است که تصریح شود، موضع‌گیری در این باره، شاخ‌وشانه‌کشیدن برای کسب امتیاز نیست. صراحت مقامات ایرانی به شکلی است که هزینه عقب‌نشینی احتمالی بر سر این موضوع را برایشان بالا می‌برد. در عین حال، این امکان از نگاه برخی همچنان وجود دارد که این مسئله برای آمریکا هم جایگاه خط‌قرمز غیرقابل عبور پیدا کند و در آن شرایط، ایران هم ترجیح دهد اصل مسئله توافق را بر حفظ غنی‌سازی ارجح بدارند. در این سناریو احتمالاً ایران امتیازاتی جدی از طرف آمریکا بخواهد تا در مقابل حاضر به رهاکردن مسئله غنی‌سازی شود. در میان صحبت‌های مقامات آمریکایی نیز تأکیدات قابل‌توجهی شده است که واشنگتن از تهران می‌خواهد دست از غنی‌سازی بکشد و سابقه ایالات متحده در مواجهه با دیگران نیز همین الگورا نشان می‌دهد. باز از طرف دیگر، هراگزاهی در حرف‌های طرف آمریکایی، امکان پذیرش غنی‌سازی در سطح مشابه بر جام دیده می‌شود. علی‌شمخانی، مشاور سیاسی رهبری اخیراً موضوعی درباره شرایط ایران برای توافق را به رسانه آمریکایی ان‌بی‌سی‌نیوز گفته است که شامل غنی‌سازی محدود، مشابه برجام‌بوده‌است. برخی بازنشر مطلب ان‌بی‌سی در این باره را به فال‌نیک گرفته‌و آن را نشانه‌این دیده‌اند که ترامپ حرف‌های شمخانی را قابل‌قبول دانسته‌است.

پ: غنی‌سازی غیرنظامی با شرایط سختگیرانه

در توافقی که ارزش نمره «پ» را داشته باشد، به ایران اجازه داده می‌شود تا ۲۶۷ درصد غنی‌سازی کند. به نظر می‌رسد لااقل برخی در دولت چنین مسیری را ترجیح می‌دهند، شامل معاون اول جی‌دی‌ونس، چنین سطحی از غنی‌سازی برای ایران کافی خواهد بود که برنامه غیرنظامی داشته باشد، اما در چنین توافقی ایران باید در مقایسه با برجام، محدودیت‌های دائمی‌تری را بپذیرد. ایران باید سانتریفیوژهای پیشرفته‌ترش، معروف به آی‌آر۸، آی‌آر۶ و آی‌آر۲ را تسلیم کند. این سانتریفیوژها اساساً ایران را قادر می‌سازد که سریع‌تر از طراحی اولیه آی‌آر۱، اورانیوم غنی کند؛ اما روی همان آی‌آر۱ هم باید محدودیت‌هایی باشد، وگرنه ظرفیت تولید در نهایت به همان اندازه سانتریفیوژهای پیشرفته‌تر خواهد رسید. فقط کمی زمان خواهد برد.

به‌علاوه، توافقی که نمره «پ» بگیرد، مثل برجام‌روی این محدودیت‌ها، بازه زمانی با بند غروب تعیین نمی‌کند. ویتکاف ادعای می‌کند موضع ایالات متحده چنین خواهد بود: «تعهدات آن‌ها غروبی نخواهد داشت.» مهم‌ترین بندهای غروب در برجام یکی بندی بود که در سال ۲۰۲۳ منقضی شد و به موشک‌های بالستیک مربوط بود و دیگری آنی که در سال ۲۰۳۱ منقضی می‌شود و محدودیت‌های روی سطح غنی‌سازی و ذخیره ایران را بر خواهد داشت. در نهایت، ایران باید بپذیرد بازرسی‌ها نه‌تنها از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که از سوی پنج

لازم برای مصارف غیرنظامی غنی‌سازی کند و به بازرسان بین‌المللی اجازه نظارت دهد، در مقابل اینکه تمام تحریم‌های اقتصادی بلافاصله برداشته شوند.

▲ اگر این شرایط برآورده شود، ایران آماده است بلافاصله توافق را امضا کند.

▲ اگر آمریکایی‌ها این‌اث‌بی‌بی [تانیاهو] را حذف کنند، به راحتی بهتری داشته باشیم. این می‌تواند منجر به وضعیتی بهتر در آینده‌ای نزدیک شود.

▲ اگر آمریکایی‌ها اث‌بی‌بی [تانیاهو] را حذف کنند، به راحتی می‌توانند توافق را امضا کنند.

دیگر موضع‌گیری‌های دیپلمات‌های ایران در این باره نیز عبارت‌اند از:
اسماعیل قبایی، سخنگوی وزارت خارجه:
▲ توقف برنامه هسته‌ای ایران اساساً در مذاکرات مطرح نیست. برنامه هسته‌ای ما حتماً با جدیت ادامه دارد.



جانانان پنیکاف:

مقامات «میان‌رو» فعلی ایران، یعنی رئیس‌جمهور مسعود پزشکیان و عراقچی، به احتمال قریب به یقین برای قانع کردن او جهت دست‌کشیدن از این حق، به مشکل خواهند خورد، به‌خصوص با توجه به عاقبت دیکتاتور لیبی؛ به‌علاوه، پزشکیان و عراقچی احتمالاً نگران این هم باشند که حتی پیشنهاد چنین معامله‌ای می‌تواند، چنان واکنش منفی شدیدی از سمت تندروها برانگیزد که جایگاه خودشان را هم به خطر خواهند خورد، به‌خصوص با توجه به عاقبت دیکتاتور لیبی؛

به‌علاوه، پزشکیان و عراقچی احتمالاً نگران این هم باشند که حتی پیشنهاد چنین معامله‌ای می‌تواند، چنان واکنش منفی شدیدی از سمت تندروها برانگیزد که جایگاه خودشان را هم به خطر بیندازد

عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد و آلمان هم باشد، یعنی همان کشورهای «۱+۵» که در مذاکرات منتهی به برجام بودند. چنین توافقی بانقطه‌ایده‌آل فاصله‌زیادی خواهدداشت. هر قدر هم که بازرسی‌ها شدید باشند، این تهدید مدام برقرار خواهد بود که ایران بتواند توسعه غنی‌سازی‌اش را در سایه قرار دهد؛ اما حتی اگر ایران به توافق جدید و محدودیت‌هایش پایبند هم باشد، شرایط داخلی در ایران و وضعیت منطقه‌ای در خاورمیانه را کد نخواهند ماند. اگر شرایط بدتر شود، رژیمی که در معرض تهدید قرار گیرد می‌تواند به‌سرعت تصمیم بگیرد که برنامه هسته‌ای‌ش را از نو آغاز کند. ایران می‌تواند خیلی چیزها را در توافق تسلیم کند اما هیچ دستگاه فراموشی مثل فیلم «مردان سیاه‌پوش» وجود ندارد که بتواند دانش ایرانیان در باره غنی‌سازی درست اورانیوم و ساخت بمب هسته‌ای را پاک کند.

گزینه‌بالای مطلوبیت در میان سناریوهای دارای احتمال جدی برای ایالات متحده، احتمالاً همین باشد. ایران موضع چندانی درباره وضعیت سانتریفیوژها نگرفته است و بسته به اهمیت توافق و اصرار آمریکا، غیرممکن نیست که تهران حاضر شود، چنین سناریویی را بپذیرد. در عین حال، ایران همواره آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به عنوان ناظر بر اجرای هر گونه توافق توصیف کرده و مواضع خود را بر الگویی مبتنی خوانده است که طبق توافقات موجود بین‌المللی، مشخصا ان‌پی‌تی، قابل اجراست؛ به عبارت دیگر، پذیرش خواسته مطرح‌شده در این سناریو درباره سانتریفیوژها، شانس بیشتری دارد تا مسئله ورود بازرسانی به جز بازرسان آژانس. ذکر این نکته هم خالی از لطف نیست که آژانس، در مجموع از سوی طرف‌های غربی، غیرقابل اعتماد به حساب نمی‌آید و اگر دولت ترامپ، بر خلاف دیگر نهادهای بین‌المللی، با آژانس دعوی‌ای نداشته باشد، محتمل است که اصرار بیش از حد بر موضوع بازرسان نکند و نقش آژانس را بپذیرد.

ت: غنی‌سازی «غیرنظامی» با سانتریفیوژهای پیشرفته
توافقی که نمره ۲-ر متوسط «ت» را می‌گیرد، توافقی است که همان محدودیت‌های گزینه «پ» را دارد، فقط ایران با تسلیم سانتریفیوژهای پیشرفته موافقت نمی‌کند و اجازه ورود بازرسان ۵+۱ برای نظارت بر پایشبندی ایران به توافق را نمی‌دهد. چنین توافقی ایران را دائماً لب مرز سلاح هسته‌ای قرار می‌دهد، در حالی که اهرم‌های ایالات متحده و متحدانش برای پیشگیری از آن، کمتر از همیشه خواهد بود.

شاید بتوان گفت این سناریو، میانه خواسته‌های دو طرف باشد. ایران وضعیتی شبیه به برجام را می‌پذیرد، با این تفاوت که تعهدات ذیل این سناریو دائمی خواهد بود. در این سناریو همچنان برنامه هسته‌ای ایران تحت نظارت و محدودیت‌هایی قرار خواهد داشت که از نگاه طرف غربی، برای پیشگیری از حرکت ایران به سمت بمب یا خبردار شدن از چنین اقدامی کافی هستند. در عین حال، برای طرف ایرانی، در این سناریو، ابتکار عمل و امکان حرکت دوباره به سمت کاهش تعهدات در صورت احساس نیاز، مثلاً با تغییر دوباره وضعیت از سوی آمریکا، حفظ می‌شود. به عبارتی، در این سناریو، اگر هریک از دو طرف، متن یا «روح» توافق را زیر پا گذاشت، طرف مقابل همچنان ابزارهای خود را برای واکنش متقابل طبق الگوهای پیشین خود حفظ می‌کند. این سناریو از آن‌جا می‌تواند برای ایران قابل‌قبول باشد که توافق عمده آن با برجام، در فقدان بندهای غروب است و با توجه به اصرار ایران بر اینکه برنامه هسته‌ای‌اش، در صورت توافق، همواره طبق ان‌پی‌تی و شرایط آژانس پیش خواهد رفت، این مسئله چندان برای ایران ناپذیرفتنی نخواهد بود. آنچه می‌تواند انگیزه طرف غربی برای پذیرش این شرایط شود نیز، مسئله‌ای است که سال‌ها به آن اشاره شده است: ایران دانش لازم برای ساخت سانتریفیوژها و غنی‌سازی را دارد، در نتیجه، حذف سانتریفیوژها یا برچیدن تأسیسات، برای پیشگیری از حرکت ایران به سمت غنی‌سازی بیشتر، تنها حکم خرید زمان خواهد داشت، چه آنکه اگر ایران تصمیمی در این زمینه بگیرد، دوباره خواهد توانست آنچه می‌خواهد بسازد. بازه زمانی اطلاع از حرکت متفاوت ایران و فرصت واکنش، در همین سناریو هم به اندازه کافی طولانی هست که نیاز مبرمی به این خرید زمان نباشد.

مردود: غنی‌سازی «غیرنظامی» با بندهای غروب
و بالاخره توافقی که مردودی برایش نمره مناسبی است: ایران اجازه دارد برنامه هسته‌ای غیرنظامی داشته باشد، غنی‌سازی داخلی داشته باشد، مجبور نیست سانتریفیوژهایش را تحویل دهد و فقط باید آن‌ها را کنار بگذارد، ورود بازرسان خارج از آژانس ممنوع است و چندین بند غروب هم در توافق هست. اجازه وجود بندهای غروب، تقریباً تضمین می‌کند که ایران به ایده «صبر استراتژیک» بازگردد و چند سال بعد دنیا دوباره در معرض خطر بحران دیگری خواهد بود، درباره اینکه ایران بتواند سلاح هسته‌ای داشته باشد. خریدن زمان همیشه راهبرد بی‌منطقی نیست. زمان برجام اصلی غیرمنطقی نبود که زمان خریده شود؛ اما آن زمانی بود که ایران ماه‌ها یا سال‌ها با این فاصله داشت که بتواند اورانیوم غنی شده کافی جهت یک بمب داشته باشد. الان ایران فقط چند روز فاصله دارد.

علاً، همان برجام، احتمالاً مطلوب‌ترین سناریوی ممکن برای ایران همین باشد اما از نظرگاه آمریکایی، چنان که پنیکاف اشاره می‌کند، احتمالاً غیرقابل‌قبول باشد. تصورات در زمان امضای برجام، ادامه روند حل اختلافات بود و شاید امید به این بود که در نسخه تازه روابط، همین که ایران چند سالی محدودیت تحمل کند کافی باشد. الان هم البته صحبت از تغییر بنیادین در روابط هست اما بعید است که واشنگتن دوباره حساب چندانی روی این سناریو باز کند؛ به‌خصوص که مشکل اصلی در پذیرش این سناریو هم در رفتار تهران نیست، تکرار برجام بدون تغییر، برای ترامپ در صحنه داخلی، گران تمام می‌شود. دموکرات‌ها ترامپ را بابت تکرار توافقی که آن قدر مذبوم می‌خواند و از آن خارج شد، سرزنش و تمسخر خواهند کرد. جمهوری خواهان هم ضمن پذیرفتن برجام دوباره، حذف محدودیت‌های ایران پس از بازه زمانی مشخص را نخواهند پذیرفت، به‌خصوص که اصلاً معلوم نیست در زمان عملی شدن چنین بندهای غروبی، آمریکا در تهران یا که طرف باشد. اگر دولت ترامپ چنین توافقی را بپذیرد، شاید بتوان احتمال قوی‌تری برای تحلیل‌هایی قائل شد که می‌گویند، فصل تازه‌ای با تفاوت‌های بنیادین در روابط تهران - واشنگتن در راه است و چشم‌انداز توافقات بعدی ترامپ را به تحویل چنین بردی قانع کرده است.

شاید ترامپ در راه رسیدن به توافق با ایران بر سر برنامه هسته‌ای‌اش باشد، اما جزئیات تعیین می‌کند که در این آزمون نمره قبولی بگیرد یا نه.

نکته قابل‌توجه دیگر در مرور این نوشته، موضوعاتی است که به آن‌ها اشاره‌ای نشده است: پنیکاف، هیچ صحبتی درباره تحریم‌ها نمی‌کند. این در شرایطی است که صحبت از رفع «تمام تحریم‌ها» در گوشه‌وکنار و مشخصاً در تهران، بسیار شنیده می‌شود. می‌توان چنین گمانه‌زنی کرد که لااقل از نظرگاه این تحلیلگر برجسته در این اندیشکده مهم، اساساً دغدغه‌ای در این باره مطرح نیست و پذیرفته شده است که در هر توافقی، پرونده تحریم‌ها بسته شود. این امتیاز و دستاورد مهمی برای تیم ایرانی خواهد بود که شاید بتواند باعث شود توافق نهایی از نظرگاه پنیکاف مردود نشود. مسئله دیگری که در این سناریوها غایب است، بحثی است که ذیل عنوان «کنسرسیوم» مطرح شده است. در سه حالت «پ»، «ت» و «مردود»، این امکان وجود دارد که برنامه هسته‌ای ایران به شکل کنسرسیوم و با ورود و سهامداری عربستان سعودی و ایا امارات متحده عربی و حتی شاید خود ایالات متحده، ادامه پیدا کند و این هم امتیازی مهم از سوی ایران به طرف مقابل خواهد بود می‌تواند سناریوهایی را برای واشنگتن قابل‌قبول کند که در این فهرست، نمره پایین‌تری می‌گیرند. هر چند از زاویه‌ای می‌شود گفت، این سناریو، چیزی شبیه به حضور بازرسان غیرآژانس را هم عملی می‌کند. مسئله دیگری که مطرح شده هم بحث سرمایه‌گذاری طرف آمریکایی در ساخت نیروگاه‌های جدید در ایران است که وزیر خارجه ایران به آن اشاره کرده است. اگر چنین اتفاقی رخ دهد، شاید اساساً دیگر نتوان در چارچوب مورد نظر پنیکاف به آن نمره داد. چنین توافقی می‌تواند به معنای تحول اساسی در روابط تهران - واشنگتن باشد و ادامه گفت‌وگو و تعامل بر سر موضوعات دیگر، برخی البته مدعی هستند، عاقبت واقعی دور فعلی گفت‌وگوها، همین تحول بنیادین باشد. باید منتظر بود و دید.

از دست بدهیم.

- ▲ صنعت غنی‌سازی اساس و پایه صنعت هسته‌ای است. شما اگر بخواهید صنعت هسته‌ای داشته باشید، باید اساس و پایه آن را داشته باشید.
- ▲ ما به آژانس اعلام کردیم که ارتباط شما با ما و مبنای بازرسی و نظارت صنایع هسته‌ای ایران، پادمان و ان‌بی‌تی است... در این چارچوب بگویید چه خلائی داریم و ما آن را برطرف خواهیم کرد.
- ▲ موارد باقی‌مانده [در بحث با آژانس] چهار مورد بود، دو مورد آن بر اساس همین بیانیه ابیانه تهران در اسفند ۱۴۰۱ و تعاملات حل شد. ما گفتیم این دو مورد باقی‌مانده را در این چارچوب حل‌وفصل می‌کنیم. به همین خاطر هم گفتیم معاونین طرفین بنشینند و یک مدلی را برای پیگیری این موضوع استخراج کنند. این هم انجام شده و در حال پیگیری است.
- ▲ جمهوری اسلامی ایران به دنبال نظامی‌سازی هسته‌ای نبوده و نیست و همه جا نیز مشخص است که هدف تسلیحاتی در این موضوع وجود ندارد. غنی‌سازی که صورت می‌گیرد، برای مصارف مربوط به طرح‌ها و پروژه‌هایی است که تماماً تحت نظارت آژانس قرار دارد.

▲

▲

دیپلمات‌ها



اتهام سه ایرانی در بریتانیا

پلیس بریتانیا سه تبعه ایرانی را به ارتکاب جرایمی تحت قانون امنیت ملی متهم کرد. پلیس بریتانیا پس از انجام تحقیقات گسترده ضدتروریسم اعلام کرد که سه مرد ایرانی را به جرایمی تحت قانون امنیت ملی متهم کرده است و مدعی شد آنها که پیشتر توسط پلیس ضدتروریسم در لندن دستگیر شده بودند، به جاسوسی برای تهران متهم هستند. بنابر ادعای پلیس بریتانیا، این سه نفر متهم هستند که بین ۱۴ اوت ۲۰۲۴ و ۱۶ فوریه ۲۰۲۵ به سرویس اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران کمک می‌کرده‌اند. بنابر گزارش دیلی میل، «مصطفی سپهوند» ۳۹ ساله، اهل سنت جازن وود، «فرهاد جوادی‌منش» ۴۴ ساله، اهل کنسال رایز و «شاپور قلعه‌علی خانی‌نوری» ۵۵ ساله، اهل ایلینگ پیش از این در تاریخ ۳ مه تحت قانون امنیت ملی دستگیر شدند. سپهوند به انجام نظارت، شناسایی و تحقیقات منبع باز با هدف ارتکاب خشونت جدی علیه شخصی در بریتانیا متهم شده است. جوادی‌منش و خشنونت جدی علیه شخصی دیگر در بریتانیا متهم شده‌اند. فرمانده «دومینیک مورفی» از فرماندهی مبارزه با تروریسم پلیس متروپولیتن گفت: این‌ها، اتهامات بسیار جدی تحت قانون امنیت ملی هستند که پس از تحقیقاتی بسیار پیچیده و سریع مطرح شده‌اند. همچنین فرد دیگری که یک مرد ۳۱ ساله است، روز جمعه گذشته دستگیر شد اما در روز ۱۵ مه بدون هیچ اتهامی آزاد شد. «فرانک فرگوسن» رئیس بخش ویژه جرایم و مبارزه با تروریسم سرویس دادستانی سلطنتی بریتانیا مدعی شد که «پس از بررسی شواهد ارائه‌شده توسط فرماندهی مبارزه با تروریسم سرویس پلیس متروپولیتن، ما اتهامات جنایی را علیه سه شهروند ایرانی تأیید کرده‌ایم.» او افزود: سرویس دادستانی سلطنتی به همه افراد نگران یادآوری می‌کند که روند کیفری علیه این متهمان اکنون فعال است و آنها حق دارند از یک محاکمه عادلانه برخوردار باشند. طبق بخش ۲۷ قانون امنیت ملی بریتانیا، مأموران می‌توانند بدون حکم، هر کسی را که مظنون به «دست داشتن در فعالیت‌های تهدیدآمیز قدرت‌های خارجی» باشند، دستگیر کنند. «کن مک‌کالوم» رئیس ام‌آی۵ در اکتبر گذشته مدعی شد که مقامات بریتانیا از سال ۲۰۲۲، ۲۰ مورد توطئه تحت حمایت دولت ایران در بریتانیا را خنثی کرده‌اند.



وزیر خارجه طالبان در تهران

امیرخان متقی، سرپرست وزارت امور خارجه حکومت افغانستان، در ادامه تلاش‌ها برای گسترش مناسبات دیپلماتیک با کشورهای مختلف جهان، به‌زودی به ایران و چین سفر خواهد کرد. به گزارش خبرگزاری صدای افغان (آوا)، ذاکر جلالی، رئیس اداره سوم سیاسی وزارت خار جه افغانستان، با انتشار خبری در صفحه ایکس خود گفته است که این سفرها در چارچوب توسعه روابط دوجانبه با کشورهای منطقه صورت می‌گیرد و امیرخان متقی پس از سفر به ایران و چین که قرار است در روزهای آینده انجام شود، سفرهای دیگری نیز در برنامه دارد. متقی برای شرکت در مجمع گفت‌وگوی تهران که امروز و فردا، ۲۸ و ۲۹ اردیبهشت از سوی وزارت امور خارجه ایران برگزار می‌شود، و همچنین گفت‌وگو با برخی مقامات جمهوری اسلامی ایران درباره روابط دوجانبه عازم تهران است. وی پس از تهران، عازم پکن خواهد شد.